

فدائیان خلق

پدر خواندگان جنبش چپ !!

عملکردهای چند هفته اخیر سازمان حرکتی فدائی خلق و بخصوص آنچه در مورد نظرات شورای همبستگی خلقهای ایران در بیستم ۹ اسفند و سپس لغو مسئولیت اعلام شده ۱۰ اسفند - در این رابطه انجام داده شد بسیار قابل ملاحظه و بررسی است. فدائیان ما برخوردی بسیار نادرست و غیر اصولی خویش نشان دادند که آنچه عمدتاً در مسی سیاسی و در روابط درون سازمانی سان حاکم بوده است، امروزه در سطح جامعه و در روابطشان با دیگر نیروهای سیاسی امکان بروز یافته است. "قدرت" سازمانی چنان رفتار را محسوس خود نموده که برای حفاظت دادن به آن و جاودانی کردن "جاذبه‌های" که سمن "گاردائی" و "کاستشان" به هر رو بی نور تر از گذشته است، راه نخلته بخش‌های دیگر جنبش جوانان را در پیش گیرند، و حتی مهمتر از آن فدائیان زمانی به این مرحله از "رشد" و "بلوغ" سازمانی با می نهند که همسو است اندولوژیکنان و شرایط جامعه "بحث آزاد" بنی صدر، سازمانی را با ساخت "ناپویی" و "منزه" می طلبد و نتیجتاً نخلته بخش‌های دیگر جنبش چپ - چپ را مکمل خویش را در بالودن از مصداق کراسانی که هنوز مسئله مبارزه در تمام سطوح ممکن را در دستور کار خویش قرار دارد، می یابد، قانونمندی حسن رندی نماز به آن دارد که روح مبارزاتی و رادیکالیسم سیاسی کینه و حد مسخ فدائیان قبل از قیام بوده است. به روحی مسخ شده حسابگر و معامله گر تبدیل شود. و الحق کینه فدائیان در هر دو مورد - نخلته سایر نیروهای جنبش چپ و کم کردن شور مبارزاتی اعضا و هواداران نشان کوشش بسیار نموده اند.

* * * * *

فدائیان در این رهگذر - نخلته سایر بخشهای جنبش چپ - به اسکالترائی ها و سنگ اندازیهائی "مردم - مردم" و "معمول"، آنگونه که در جدیدین ماه گذشته شاهد آن بوده ایم، اکتفا ننموده و با دست یازیدن به غیرسیاسی ترین و غیر دموکراتیک ترین شیوه‌های ممکن، عملاً جنبش چپ ایران را انهمس در لحظاتی که بیش از هر زمان دیگر احتیاج به همکاری و همسوئی دارد به محادلات و کشمکشهای درونی غیراصولی، طاقت فرسا و بی حاصل میکشاند. بحرات میتوان گفت که فدائیان در این زمینه - برخوردهای غیر اصولی - نه تنها به احیاء سن گذشته حزب نموده پرداخته اند بلکه خود نیز بدعت‌های تازه‌ای کمارده اند.

آنچه جدیدی پیش فدائیان درمهباباد انجام دادند بعدی زشت است که انتقاد از آن حسی احتیاج به استدلال سیاسی و اندولوژییک ندارد. رفقای فدائی صرفاً "به دلیل وجود اختلاف نظر با جریانات سیاسی معروف به طرفداران مشی مسلحانه، به قصد ایجاد ارعاب و برهم زدن سخنرانی اشرف دهقانی درمهباباد، اثراد مسلح خویش را به محل میبندند کسبل ممدارند، و بخيال خویش بدین طریق - ارعاب و رور - از بروز اصطلاح انحرافات اندولوژیک در صفوف مبارزه مردم کردستان جلوگیری مینمایند. رفتار با همان نحوه استدلال، بلی تکرار میکنیم با همان نحوه استدلال مینسک دمزیور را مورد "لطفاً" قرار میدهند که مدافعان "رژیم اسلامی" به میتینگ جریانات مترقی تاکنون حمله میکردند درهر دو جا، نقطه حرکت، نقطه حرکت از منطبق قیومیت است. درهر دو مورد جریاناتی که خود را قیسم و پدرخوانده جنبش میدانند - یکی قیسم جنبش چپ و دیگری قیسم امت مسلمان - با

هر حرکتی که "افندار" آنان را در حوزة و حیطه فعالیتشان حتی برای لحظه‌ای زیر سؤال نکند مخالف برمیگزینند. مسئله این نیست که این قیسم مترقی و آن دیگری ارتجاعی است بلکه مسئله بر سر نفس "قیومیت" است. مسئله این است که قیسم‌ها همواره بجای "مغار" فکر میکنند، بجای آنان عمل مینمایند، خود را حافظ منافع آنان مینمایند، حتی اگر این "مغار" دیگر آنچنان که خود قیسم‌ها مینمایند "منیر" نباشد، چرا که پدرخوانده، پدرخوانده است و همسه حافظ منافع فرزندان خویش حتی اگر فرزندان "جموش" باشند و من به نمابح پدرخوانده بدهند. نتیجه آنکه قیسم با والی و با آنطور که این رورها میگویند، نقیبه، سماننده خود کمارده دیگران است و همواره بجای آنان عمل میکند. اما بپرو قیسم، قیسم است، چه "اسلامی" باشد و چه "کمونیست". اولسب هبیت صبا، الحق و با قفیه "بررک" را خواهد داشت و دومی هبیت "استالین" و پل بوت را.

اما عمل رفقای فدائی در این مورد یک "ارزیابی" نادرست و باحتی صرفاً یک "اشتباه" نیست. چه اگر این چنین بود اینگونه اعمال بطور سیستماتیک و در اشکال مختلف از جانب رفقا تکرار نمیکردید، و با حداقل با احتیاجات "تنوریک" از جانب رهبری سازمان توجیه نمیداد، در واقع خطرناکتر از خود این اعمال سیطره یافتن کامل آنچنان بنی بنی بر رفقا است که اینگونه رفتار را نه رفتاری مذموم، نادرست و غیرانقلابی بلکه رفتاری "پروولتری"، "صحیح" و "انقلابی" ارزیابی مینمایند. بیجهت نیست که رفقای فدائی با چنین بیبیتی خود را محق میدانند که نه تنها چنین رفتاری را نسبت به "دیگران" معمول دارند بلکه عندالزوم توده‌ها

و هواداران خویش را با انواع مانورهای مصنوعی و غیرکمونیتی از دست یافسن به حقایق مربوط به سازمانشان و مشی ساسی حاکم بر آن بازدارند.

باورکردنی است، ولی اعلامیه مرکزی "آرزوی سلامتی امام خمینی" که در اکثر شهرهای ایران وسیعاً پخش شد در کردستان بدست رفقای فدائی سانسور شدو حتی یک عدد از آن در میان مردمی که بیش از دیگر مردم ایران واقعیت "صد امپریالیستی بودن روحانیت مبارز" را درک و لمس نموده بودند، پخش نکردید. توجیه شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق در مورد سانسور اعلامیه مرکزیت روشن است: توزیع چنین اعلامیه ای با توجه به جو موجود صحیح نیست! پدرخواندگان چنین در کردستان بایین نتیجه میرسند و همین کافی است! و بحمداله چنین جهاتی اسالیبیستی و سنن نوده ایستی خودمان نیز تجارب و توجیه کافی را در ایترسند ارائه

بیش از هر کس دیگری بهتر میدانستند در چه نظهراتی شرکت میکنند، بلکه برای از "مایه تران" است. برای کسانی است که نه تنها از بیخ و چهای بازار "سیاست" مطلع اند، بلکه از جمله مصادر اموردو میدانند که انتخاباتی در پیش و مناظرهای در کار است! پس نباید اوضاع را نامساعد نمود، بر روی گرفتن امتیاز باید نشان داد که تفاهم وجود دارد!! باید از همه "امکانات" سود جست، باید از "غنا" هیئت حاکمه بهره برداری کرد و تمام آن استدلالات آشنا و قدیمی که معمولاً در این مواز بکار برده میشود را ارائه داد. بهر حال پدر خوانده بیس از هر کس دیگر از فراز و نشیب مبارزه طبقاتی مطلع است! پدر خوانده مصمم است از شرکت مردم در نظهرات جلوگیری نماید و ارایترو فرزندانش را بد میتیک میدان آزادی در فرادای آروز دعوت می کند.

اما فرادای آن روز بسیاری با تعجب

دادند. رفقا خود گفتند که آنچه را بعنوان "دمن" ارزیابی مینمایند نه سیستم حاکم بلکه کرایشات ارتجاعی درونی اسد و فس علیها.

سخنان رفقا بقدری کویا بود که دیگر احتیاجی نیست که رنج استدلال را بخویش هموار نمائیم و نشان دهیم که برداشت رفقا از مسئله "درگیری" و "احتجاب" از آن برداشتی بیفایست نادرست است. رفقا علی القاعده باید بدانند که "لیبرالها" و "آمریکا" از عدم اطاعت ما از قانون رنج میبرند وند بالعکس. رفقا علی القاعده باید آگاه باشند که استاد دسختن "اسدلالی" ولو آنکه در بونش "تاکتیک" در آسانسه انتخابات به خورد خلق الله داده شود همان داستان معروف "تعریف نکنیم تا..." اما بنکل جدیدی است، و بالاخره رفقا علی القاعده باید آگاه باشند که کویا کونا آمدن آنها در چنین موردی و در چنین لحظهای حساسی که بنی صدر

قیم و یا والی و یا آنطور که این روزها میگویند، فقیه، نماینده خودگمارده دیگران است و همواره بجای آنان عمل میکند. اما بهر رو قیم، قیم است چه "اسلامی" باشد و چه "کمونیت". اولی هیئت ضیاء الحق و یا فقیه "بزرگ" را خواهد داشت و دومی هیئت "استالین" و "پل پوت" را

میدهد.

فدائیان با حرکت از همین موضع - موضع پدرخواندگی - و به دلایل سیاسی دیگر، بر آن شدند که حتی المقدور از بره کزاری نظهرات شورای همبستگی خلقهای ایران در دفاع از خلق ترکمن طوکیری نمایند. ابتدا از طریق روزنامه های رسمی اعلام نمودند که این نظهرات متعلق به سازمان آنان نیست و سپس هنگامی که نظهرات مربوطه حتی بعد از لغو رسمی آن آغاز کردند، فدائیان بمید آمدند. و صدالبته نه برای پشتیبانی و حتی رهبری آن که قاعدتاً "حق مسلم خویش میبیدارند بلکه برای توضیح این مسئله که نظهرات از آن فدائیان نیست! فدائیان بارافراشتن بلاکار درجه رسماً و مجدداً استسایبایسن نظهرات به سازمانشان را انکار نمودند. و براسستی دیراورترین نظهرکنندگان هم دریافتند که این توضیح و ایسن انکار نه برای شرکت کنندگان که خود

در میدانند که فدائیان خلق محاط بر "احتجاب از درگیری" میتیک خویش را لغو نموده اند! از یکسو از شرکت اعضا و هواداران شان در نظهرات دیگران - جهاتی که با مبارزه اشسان علیه ارتجاع داخلی در دامان لیبرالها افتاده اند!! - جلوگیری مینمایند و از سوی دیگر بر کزاری میتیک سازمانی را باصحیح ارزیابی میکنند! چرا؟ آیا رفقا صرفاً "طریق حزم و احتیاط" را پیش گرفته اند که مباداشمن "مشترک" یعنی لیبرالها و امیربا - لیم امریکا سود ببرند؟ و با رفقا استدلال دیگری دارند و برای سازمان دادن اعتراض مردم راه دیگری را پیشنهاد میکنند. تعجب نکنید اگر بگوئیم هیچکدام. مناظره معروف تلویزیونی که در فرصتی دیگر مطلقاً به آن خواهیم پرداخت کویا تر از آن بود که نتوان پیام واقعی را دریافت!! رفقا درک واقعی خویش را از دولت پارتی نشین طبقات و مانورهای هیئت حاکمه نشان

بر آن اسد که نه دیکتا توری سرمایه شکلی "قانونی" و "منطقی" حسد بد چه معنی است؟

اما تخطئه دیگران نمیتواند موثر افتد، مگر آنکه در تسخیر و مسخ کردن روح مبارز اعضا و هواداران کوسش شود. پدر خوانده اگر بخواد در سخطسه کردن دیگران موفق باشد و خود را بمثابه قادر متعال عرضه نماید باید در "خانه" نیز "سکوت و انضباط" را برقرار نماید. آینده شان خواهد داد که در این امر جدددر موفق خواهند بود.

رهائی نشریه
سازمان وحدت
کمونستی